

#تنبیه بدنی ابزار تربیت نیست

جامعه پدیا

سال‌هاست که چوب و فلک از مدارس ایران جمع شده است اما هنوز هم خبرهایی از مصدوم شدن دانش‌آموزان بر اثر تنبیه در مدارس می‌رسد؛ مواردی که منجر به آسیب‌دیدگی دانش‌آموز و فرستادن او نزد پزشک یا بیمارستان شود، در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شوند و رسانه‌ها آن را پیگیری می‌کنند. در ابتدای ایجاد مدارس، جامعه ایران تنبیه بدنی را پذیرفته بود اما امروزه چنین اتفاقی انقدر ناپسند است که منجر به توبیخ مجرای می‌شود. اسفند سال قبل بود که استخوان پای یک دانش‌آموز در مشهد به دلیل لگد ناظم مدرسه شکست. عمارت بعد و در مهر امسال هم ضرب‌و شتم شدید یکی از دانش‌آموزان در قزوین توسط مدیر مدرسه، به شکستگی بینی و پارگی پرده گوش او منجر شد. معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش اخیرا دربارۀ این ماجراها گفته است: تنبیه بدنی در ۷۰ سال گذشته یکی از عمومی‌ترین ابزارهای تربیتی در مدارس کشور بوده اما به مرور زمان به‌ویژه در دهه‌های اخیر این موضوع به شدت کاهش یافته است. موارد انگشت‌شمار تنبیه فیزیکی دانش‌آموزان از سوی آموزش و پرورش پیگیری و با آن برخورد می‌شود. صادق حسین‌زاده ملکی با اشاره به اینکه حساسیت عمومی و رسیدگی آموزش و پرورش نشان می‌دهد موارد ثبت‌شده مربوط به تنبیه بدنی هر سال کمتر از سال گذشته است. ممکن است ششم لحظه‌ای در جایی رخ دهد و معلمان هم مانند سایر انسان‌ها دچار چنین شرایطی شوند؛ هر چند اغلب آنها کنترل لازم را دارند.

تلاش برای کاهش ۱۰درصدی اعتیاد

اصل و شرح

مدیرکل پیشگیری ستاد مبارزه با موادمخدر اعلام کرد: ستاد مبارزه با موادمخدر برنامه تحولی پیشگیری از اعتیاد در سال ۱۴۰۵ را کلید زد؛ زیرا عایدینی گفت:

روز بیست ازدواج

به بهانه پنجشنبه مبارکی که برای ثبت ازدواج صف تشکیل شد

فرهاد بلدا | روزنامه‌نگار | «کی ازدواج می‌کنه؟»، «مگه دیگه کسی هم

ازدواج می‌کنه؟»، «خیلی وقته عروسی دعوت نشدیم... این جمله‌ها را در این سال‌های اخیر بسیار شنیده‌ایم و البته حسرت خورده‌ایم.

واقعیت این است که شرایط خاص اقتصادی و اجتماعی کشور تأثیر منفی‌اش را بر وضعیت جمعیتی کشور، بسیار بی‌رحمانه اعمال کرده و نتیجه‌اش هم شده لشکر میلیونی مجردها و البته مضطربان در حال عبور از سن طلایی ازدواج.

این حرف‌ها اما در پنجشنبه گذشته با یک باران تصمیم‌گیری و همت، اندکی تلطیف شد. اصل خبر این بود که معاون امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اعلام کرد به مناسبت ولادت باسعادت حضرت فاطمه (ع) و روز زن، فعالیت دفاتر ازدواج مورخ ۲۰ آذرماه تا ساعت ۲۰ تمدید شد و البته آنچه در پس این خبر نهفته بود یک لبخند آرامش‌بخش از باب عاقبت‌به‌خیری بخشی از جمعیت جوان کشور بود. خوش‌خبری سیدصادق سعادت‌نیا، معاون امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور این تکمله را هم داشت که این تصمیم به‌دلیل استقبال جوانان برای ثبت واقعه ازدواج خود در این روز خجسته گرفته شده است.

به گواه خبر معاونت امور اسناد سازمان ثبت اسناد و املاک کشور برای افزایش ساعت کاری دفاتر ازدواج در روز ۲۰ آذر امسال می‌توان دریافت که میزان ثبت واقعه ازدواج در این روز بیشتر شده است.



کیمیاگری و یدئویی

محمد سربای | روزنامه‌نگار | چند روز قبل یک ویدئو در فضای مجازی منتشر شد که شخص معادری را در خیابان با پشت خیلی خمیده در وضعیت ایستاده ولی بی‌حرکت نشان می‌داد. در ادامه این ویدئو یک درمانگر طب سنتی می‌گفت که این فرد، یک دختر دانشجوی مهندسی پزشکی است و به‌دلیل مصرف ماده مخدر «کمیکال» دچار چنین عوارضی شده است. فیلم در یک تقاطع و مقابل کرکره بسته‌های گرفته شده است و در آن هیچ مشخصاتی از شخص معتاد – حتی جنسیت او – مشخص نیست. صفحه اینستاگرامی که ویدئو را منتشر کرده متعلق به شخصی است که ادعا دارد

با داروهای سنتی و گیاهی، بیماری‌های مختلف را درمان می‌کند. صاحب صفحه ظاهر فرزند یکی از طبیبان سنتی است و نسخه‌ها و توصیه‌های زیادی درباره بیماری‌ها از سنگ کلیه تا کبد چرب، لاغری، سرماخوردگی و مقابله با آلودگی هوا تولید می‌کند. در دیگر صفحات فضای مجازی هم می‌توان ویدئوی ابتدایی را دید که اشخاص دیگری روی آن صحبت می‌کنند اما محل ضبط تصاویر یا کسی که در آن دیده می‌شود مشخص نیستند. رسانه‌های رسمی نیز این ویدئو را منتشر نکرده‌اند. ماده مخدر کمیکال زیرمجموعه‌ای از مخدرهای گیاه هاشدانه یا حبشیش است. آسیب‌رسانی آن از مخدر «گل» بیشتر است زیرا برای ساخت کمیکال، مایعات روانگردان روی برگ‌های گل اسپری می‌شوند تا میزان ماده مؤثر افزایش پیدا می‌کند. ظاهر کمیکال شبیه گل است اما مقدار کمی از آن اثر

قانون برنامه هفتم توسعه ما را ملزم کرده در پایان برنامه به ضرب کاهش ۱۰ درصدی در بحث اعتیاد برسیم که تقریباً از این برنامه نیز یک سال ونیم گذشته و قرار است برنامه‌های سال۱۴۰۵ و ۳ سال آینده با رویکرد تحولی با محوریت و تمرکز تمام برنامه‌ها و دستگاه‌ها ذیل اکوسیستم ملی پیشگیری پیگیری شود. در راستای اجرای

این برنامه تحولی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بنیاد شهید و امور ایثارگران و سازمان امور دانشجویان وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، گزارش‌های خود را در چارچوب تفاهنامه‌هایی با ستاد مبارزه با موادمخدر و وظایف خود را در حوزه فرهنگی و پیشگیری ارائه خواهند داد.

بدون شمارش سکه

مجلس در روزهای اخیر موضوع مهریه را بررسی و سقف اجرایی آن را به ۱۴سکه محدود کرده است اما فارغ از این تصمیمات اقتصادی، بیسیاری از خانواده‌ها و زوج‌های جوان مهریه‌های سنگین را کنار می‌گذارند و زندگی مشترک را آغاز می‌کنند؛ زوج‌هایی که به دوام زندگی خود امیدوار هستند و تعداد بالای سکه‌های مهریه را ضمانتی برای ازدواج موفق نمی‌دانند.

روز خوب یکی شدن

از گذشته رسم نیکویی بین خانواده‌های ایرانی وجود داشت که مناسبت‌های دینی را فرصت متبرکی برای عقد ازدواج می‌دانستند. اردیبهشت امسال ۴۵۴عقد ازدواج همزمان با سالروز میلاد امام رضا(ع) در حرم مطهر به ثبت رسید که این آمار ۲/۵برابر نسبت به مدت مشابه پارسال افزایش داشته است. در این روز ۳۲۹عقد در شب میلاد و ۱۲۵عقد در روز میلاد و در مجموع بیستم آذر امسال نشان داد که این اعتقاد به پیمان ازدواج بستن در روز میلاد معصومین همچنان ریشه در فرهنگ ما دارد.



اعتیادآور زیادی دارد. منصور براتی، کارشناس اعتیاد در این باره به همشهری می‌گوید: «فیلمی که از شخص معتاد گرفته شده قدیمی است و فکر می‌کنم در سال‌های ۱۳۹۰ گرفته شده بود. شخص درون آن هم به‌نظر می‌آید مذکر است. قبلا این فیلم در دیگر قسمت‌های فضای مجازی نیز با توضیحات مختلف منتشر شده بود. مجموعاً به‌نظر نمی‌آید که فیلم ارتباطی به کمیکال داشته باشد.» او تأکید می‌کند: «کمیکال ماده مخدر بسیار اعتیادآور و آسیب‌رسان است که متأسفانه بین جوانان رایج شده است اما این فیلم و توضیحات بعد از آن اقدام صادقانه‌ای برای هشدار دادن نیست بلکه برای تبلیغ و به‌دست آوردن بازدید در فضای مجازی ساخته شده است. قبلاً دیگران این فیلم را منتشر کردند و حالا فرد دیگری خواسته با همان الگو بازدید به‌دست بیاورد و برای کارش تبلیغ کند.»

به همراه نداشتند، واقعیت این است که انجام این‌دست رفتارهای عجیب و غریب می‌تواند یک آموزش غیرمستقیم بی‌فرهنگی باشد و گسترش آنها، بلای جان جامعه شود.

پلیس و توقیف خودرو و رواننده متخلف، ختم‌به‌خیر شد؛ دومی هم مربوط به بالا رفتن عده‌ای از بل سفیداهواز است. هرچند یخت یار بود و تا به امروز این رفتارهای هجانی و نمایشی آسیب جسمی

۲۰دینو در روزهای اخیر در فضای مجازی بارها بازنشر شدند و علامت تعجب‌های دنباله‌داری را در ذهن مردم ایجاد کردند. اولی مربوط به حرکت یک رانیتا با ۴چرخ در شهر شیراز بود که با ورود

رفتارهای عجیب و آموزش بی‌فرهنگی



دنیایی که فریبا بافت

درباره دختر ۷۰سالته متری معلول و کارآفرینی که با آموزش بافتنی باعث اشتغال ده‌ها نفر شده است

با آموزش‌های او کار و کاسبی راه انداخته‌اند و شمار کسانی که با سخنرانی‌های فریبا در همایش‌های مختلف برای راه‌انداختن کسب و حرفه‌ای انگیزه پیدا کرده‌اند، فراوان است؛ آنقدر فراوان که ۱۰سال پیش نامش در فهرست کارآفرینان برتر تر کشور ثبت شد و حالا تصاویر شاد و پر جنب و جوش خانم کارآفرین که هر روز در فضای مجازی منتشر می‌شود، او را به نماد امید و تلاش تبدیل کرده است.

اولین دستمزد

انگشت‌های کرخت فریبا نمی‌توانستند میل‌های بافتنی را نگه دارند و او با پیچ‌وتاب‌دادن میل‌ها طوری به آنها خم و انحنای می‌داد که از لابه‌لای انگشت‌هایش نلغزد. فریبا با کتاب‌های هنری برای آموزش بافتنی، توانست دستگیره‌ای پر نقش‌ونگار ببافد. تعریف و تمجید درو همسایه از هنر فریبا خستگی ساعت‌ها کلنجار رفتن با نخ و قلاب بدقلق را از تن او درآورد. وقتی همسایه‌اش دستگیره را به قیمت ۱۵۰۰ تومان خرید، فریبا تصمیم گرفت بساز هم ببافد؛ «این پول آنقدر برای من ارزش داشت که آن شب از خوشحالی نتوانستم بخوابم. این پول حاصل دسترنج خودم بود و به من امید داد که برای برداشتن بار مخارج خودم از دوش پدر و مادر کشاورزم بیشتر تلاش کنم. بعد از آن هرروز از آموزش‌های تلویزیون و نقاشی کتاب‌ها بافت وسایل دیگر را یاد می‌گرفتم و چیزی تازه‌ای می‌یافتم. کم‌کم که تعدادشان زیاد شد، آنها را به فروشگاه‌های دوست و آشنا می‌سپردم تا برام بفروشند»

تصمیم بزرگ

در دیوار غرفه کوچک فریبا که در نزدیکی روستای آبا و اجدادی‌اش راه انداخته، پر است از عروسک‌های خوش‌بررویی که لباس‌های رنگارنگ بافتنی‌شان پوشش زیبای زنان شمال کشور را به‌خاطر می‌آورد. انگشت‌های فریبا دیگر تروفرز شده‌اند و تند و سریع می‌یافتد؛ لیف، دستگیره، جوراب و عروسک‌های خوش‌رنگ‌ورو. روز اول که تصمیم گرفت کاری راه بیندازد و کمک‌حال خانواده‌اش باشد، انگشتان قلم‌اش قوت‌تایاندن کاماروی میل‌های بافتنی را نداشتند؛ «به دنیا آمدم با بیماری راشیتیسع باشد فقط سرم رشد کند و تنهام رشدی نداشته باشد. دوران کودکی‌ام مثل یک نوزاد بی‌حرکت گذشت و طعم شیطنت‌ها و بازیگوشی‌های همسن‌وسالانم را نچشیدم، ولی تا ۱۲سالگی که خواهر و برادرهایم کنارم بودند، احساس تنهایی نمی‌کردم. وقتی ۴خواهر و ۲برادر پی زندگی‌شان رفتند، از اینکه تمام روز مجبور بودم در تنهایی نگاهم را به سقف بدوزم، غمگین و افسرده‌بودم تا اینکه خواهرم برایم یک کلاف کاموا و میل بافتنی هدیه آورد.»

مکت

آرزوهایی که برآورده شدند

لو کیشن بسیاری از قصه‌های زیبایی که فریبا از زندگی روزمره‌اش در صفحه خود تعریف می‌کند، خانه زیبایی است که او با دسترنج خودش برای پدر و مادر پیرش ساخته است. فریبا هیچ‌وقت نتوانسته روی خاک حاصلخیز روستای سرسبز آبا و اجدادی‌اش قدم بزند؛ ولی هر بار که با کمک اعضای خانواده و با کالسکه پارچه‌ای و نقلی‌اش در گوشه‌کنار آن می‌چرخد، گوشه‌ای از زیبایی‌های زندگی اهالی آن را به مخاطبانش نشان می‌دهد. در میان عروسک‌های گیس بلند و موکوتاهی که فریبا بافته، پریسا نورچشمی و عزیزکره اوست. فریبا شب‌ها پریسا را کنار خودش می‌خواباند و یک دل‌سیر با او درددل می‌کند؛ حسرت‌ها و آرزوهایش را برایش می‌شمرد، ولی ته نقل‌های او همیشه به دلخوشی‌های بزرگش می‌رسد که لبخند را روی صورت معصومش نقاشی می‌کند؛ «آرزو داشتم روی پای خودم بایستم که ایستادم، آرزو داشتم کارآفرین شوم و برند خودم را داشته باشم که دارم، آرزو داشتم برای پدر و مادرم خانه بسازم که ساختم...»

